

موضوع: سوره حمد

عنوان: تفسیر سوره مبارکه حمد جلسه ۲۵

مدت زمان: ۳۵,۱۶ دقیقه    اندازه نسخه کم حجم: ۴,۰۳ MB    اندازه نسخه پر

حجم: ۸,۰۷ MB    دانلود

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم

مالك يوم الدين اياك نعبد و اياك نستعين

اهدنا الصراط المستقيم

تکوینی بودن هدایت در \*«اهدنا الصراط المستقیم»\*

این آیه مبارکه \*«اهدنا الصراط المستقیم»\* ﴿۱﴾، اموری را دربردارد که بعضی از آنها به عرض رسید

و اشاره شد به اینکه وقتی خدای سبحان انسان را به وسیلهٔ وحی به راه راست هدایت کرده است،

انسانی که به حالت ایمان و خضوع در آمد، و خواندن نماز نصیب او شد، او از خدای سبحان هدایت

صراط مستقیم را مسئلت می کند، یا به معنای آن است که این توفیق را که به ما دادی ادامه بده و

اهدنا یعنی «أدمنّا» نه هدایت به معنای ادامه استعمال بشود . هدایت یعنی این هدایت داده را

استمرار بده یا نه همان هدایت تکوینی مراد است یعنی لطف که شامل حال ما شد، ما را تشریعاً به راه راست هدایت کردی توفیق طی این طریق را هم به ما مرحمت بکن. صرف دانستن کافی نباشد آن نورانیتی که در پرتو آن نورانیت انسان این راه را به درستی طی می‌کند، به ما مرحمت کن.

راههای دستیابی به هدایت تکوینی

خودش هم در سوره مبارکه تغابن فرمود: ﴿وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ﴾ ﴿۲﴾ که نشانه هدایت تکوینی است. در سوره نور آیه ۵۴ اینچنین فرمود: ﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَاِن تَوَلَّوْا فَاِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَمَا عَلَيْكُمْ مَا حَمَلْتُمْ وَاِن تَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا﴾ ﴿۳﴾ ما که از خدای سبحان هدایت طریق مستقیم را مسئلت می‌کنیم، سخن خدای سبحان این است که اگر شما خدا را اطاعت بکنید، هدایت می‌شوید. این از باب اتحاد مقدم و تالی است؟ یا نه اگر چنانچه اطاعت بکنید آن هدایت تکوینی نصیبتان می‌شود. یعنی بعد از تمام شدن حجت، بعد از اینکه راه معلوم شد اگر این راه را مقداری طی کردید آنگاه آن هدایت تکوینی نصیبتان می‌شود. آنگاه راه را به خوبی طی می‌کنید شما دو نفر را حساب کنید که، هر دو دستورات دینی را می‌دانند یکی با رغبت و میل عمل می‌کند، یکی عمل نمی‌کند. آنکه عمل می‌کند توفیق الهی نصیبش شده است به نام هدایت تکوینی. آنکه عمل نمی‌کند از آن هدایت تکوینی محروم است. ما که در نماز و غیر نماز عرض می‌کنیم؛ ﴿اَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ ﴿۴﴾ نه یعنی برای ما احکام را بیان کن و تبلیغ کن که ما بفهمیم چی واجب است و چی حرام بعد از اینکه تبلیغ به عمل آمد ما فهمیدیم چی واجب است چی حرام، از خدای سبحان مسئلت می‌کنیم، توفیق طی این راه را به ما بده. خدا هم می‌فرماید شما چند قدم این راه را طی کنید، بعداً هدایت می‌شوید. ﴿اِن تَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا﴾ ﴿۵﴾ نه یعنی اِن تَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا تشریعاً این که

می‌شود اتحاد مقدم و تالی. مثل آن است که بگویند ان تطيعوه تطيعوه نه \* «ان تطيعوه» ﴿٦﴾؛ اگر این راه را اطاعت کنید و طی کنید آنگاه مهتدی می‌شوید تکویناً.

نظیر آنچه فرمود \* «اما من اعطی و التاقی و صدق بالحسنى فسنيسره لليسرى» ﴿٧﴾ ما اول راه را برای همه بیان کردیم اگر کسی این راه را چند قدمی طی کرد، بعداً ما طی این راه را برای او آسان می‌کنیم خیلی به آسانی متدین هست. اگر انجام کارهای واجب به نام جهاد اکبر دشوار است برای او سهل است. او به آسانی مواظب زبانش است. به آسانی از مال حرام می‌گذرد. اگر دیگران در برابر مال حرام دستشان می‌لرزد این خیلی به آسانی از حرام پرهیز دارد \* «فسنيسره لليسرى» ﴿٨﴾ یعنی الیسری برای او سخت نیست اطاعت کردن. پرهیز از گناه برای او دشوار نیست. خیلی به طور عادی اطاعت می‌کند و از گناه پرهیز می‌کند این می‌شود هدایت تکوینی. پس اگر ما از خدای سبحان مسئلت می‌کنیم، می‌گوییم \* «اهدنا الصراط المستقيم» ﴿٩﴾، حضرتش هم راه را نشان داد؛ فرمود \* «ان تطيعوه تهتدوا» ﴿١٠﴾ نظیر آیهٔ سورهٔ تغابن که \* «و من يؤمن بالله يهد قلبه» ﴿١١﴾

#### هدایت تکوینی در قرآن

آنگاه نمونه‌هایی از اینکه خدای سبحان چه افرادی را به راه راست هدایت کرده است، در موارد گوناگون ملاحظه می‌فرمایید. در همان آیه‌ای که پایان بحث دیروز، تلاوت شد و تتمه‌اش مانده بود در سورهٔ مائده آیهٔ ۱۶ این است فرمود \* «قد جاءكم من الله نور و كتاب مبين يهدي به الله من اتبع رضوانه سبل السلام» ﴿١٢﴾ هم به ما فهماند اگر قرآن هادی است ابزار هدایت است نه هادی بالذات. یعنی اگر در سورهٔ اسراء هدایت به قرآن نسبت داده شد و گفتیم \* «ان هذا القرآن يهدي للتي هي اقوم» ﴿١٣﴾ در حقیقت هادی خداست و قرآن ابزار هدایت است. فرمود این کتاب و نور مبین آمده است که خدای سبحان بوسیلهٔ این کتاب هدایت می‌کند. \* «يهدى به الله» ﴿١٤﴾ کی

را؟ این کتاب که \*«هدی للناس»\* است کتابی که \*«للعالمین نذیراً»\* ﴿۱۵﴾ است کتابی که  
 \*«ذکری للبشر»\* ﴿۱۶﴾ است. ولی مع ذلک فرمود بوسیلهٔ قرآن ما یک گروه خاصی را هدایت  
 می‌کنیم این گروه خاص همان مؤمنینند که از هدایت تکوینی برخوردارند و گرنه که هدایت  
 تشریفیش که عالمی است. این قرآن همان وقتی که نازل شد فرمود من جهانی‌ام، \*«للعالمین  
 نذیراً»\* ﴿۱۷﴾ \*«و ما هی إلاّ ذکری للبشر»\* ﴿۱۸﴾. تا آنجا که جای بشریت است این قرآن حجت  
 بالغهٔ خدا است. اما در این سورهٔ مائده می‌فرماید خدا به وسیلهٔ این قرآن یک گروه مخصوصی را  
 هدایت می‌کند و آنها کیانند؟ \*«یهدی به الله من اتبع رضوانه»\* ﴿۱۹﴾ کسانی که تابع رضوان  
 خدایند یعنی هر کاری را که انجام می‌دهند و رضای حق را طلب می‌کنند، این گروه که راهیان راه  
 الهی‌اند، خدا اینها را تکویناً در مرحلهٔ بقاء دستشان را می‌گیرد به راه سلامت می‌رساند. خیلی آسان،  
 سالم از این دنیای پر خطر بیرون می‌روند. اگر دربارهٔ مسیح (سلام الله علیه) دربارهٔ یحییای شهید  
 (سلام الله علیه) آمده یکجا با الف و لام یکجا بی الف و لام \*«و السلام علیّ یوم ولدت و یوم اموت و  
 یوم ابعث حیا»\* ﴿۲۰﴾ یعنی این نشئات سه گانه را با سلامت طی می‌کند، سالم می‌میرند. کسی  
 سالم می‌میرد که سالمی زندگی کرده باشد. و کسی سالمی در قیامت محشور می‌شود که سالمی مرده  
 باشد. یحیی (سلام الله علیه) اینچنین بود \*«سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیا»\* ﴿۲۱﴾  
 خدا فرمود من یک عده را سالمی به مقصد می‌رسانم. این می‌شود هدایت تکوینی. \*«و یهدیهم الی  
 صراط مستقیم»\* ﴿۲۲﴾.

سؤال...

جواب: «أرنی الحق حقاً حتی اتبعه» ﴿۲۳﴾. آن هدایت تکوینی است. یعنی طوری روشن کن که  
 دیگر من تجاوز نکنم. آن نورانیت را به من مرحمت کن که خوب ببینم.

اصل اینکه هدایت به معنای ایصال به مطلوب است در قرآن آمده در چند جا . خواه مطلوب بد , خواه مطلوب خوب، یک وقت دست کسی را می گیرند، به مقصود او می رسانند این می شود هدایت تکوینی خواه مقصود بد خواه مقصود خوب

سؤال...

جواب: بله دیگر، چون معنویات هم مثل مادیات مخلوق خدای سبحانند دیگر. مثلاً اگر خدای سبحان این نور چشم را مرحمت کرده است آن نور دل را هم او مرحمت می کند. این دعای تعقیب نماز صبح که از امام رضا (سلام الله علیه) رسیده است و دیگران هم چنین می کنند؛ «و النور فی بصری و البصیرة فی دینی» ﴿۲۴﴾ هر دو را انسان از خدا می خواهد. «و اجعل النور فی بصری و البصیرة فی دینی» ﴿۲۵﴾ این هر دو تکوینی است هم نور چشم را انسان از خدا می خواهد این امر تکوینی است، هم نور دل را از خدا می خواهد این امر تکوینی است.

عدم اختصاص هدایت تکوینی عام به مؤمنان

در سوره صافات فرمود اینها را به آن مقصودشان، به مقصدشان راه نمایی کنید . دو سه آیه کنار هم است در سوره صافات ظاهراً نیست. \* «فاهدوهم الی صراط الجحیم» ﴿۲۶﴾ یعنی در قیامت خدای سبحان به فرشته ها دستور می دهد که این کفار و فسقه را هدایت کنید به راه جهنم . آنها راه جهنم را هم نمی دانند یعنی یکی از بلاها و عذابهایی که کفار در قیامت مبتلایند این است که باید بروند جهنم اما سرگردانند راهش کجاست . عده ای اینها را مستقیم به جهنم می برند. \* «فاهدوهم الی صراط الجحیم» ﴿۲۷﴾ نه یعنی تبلیغ کنید که هدایت، هدایت تشریعی باشد چون در قیامت سخن از تشریع نیست. یعنی دستشان را بگیرید برسانید. مقصودشان هم جهنم بود منتها نمی دانستند جهنم مقصودشان است چیز دیگر خیال می کردند. هدایتشان کنید به راه جهنم . \* «فاهدوهم الی

صراط الجحیم» ﴿۲۸﴾ فرمود \* «فاهدوهم الی صراط الجحیم و قفوههم انهم مسئولون ما لکم لا تنصرون» ﴿۲۹﴾ فرمود اینها را هدایتشان کنید به جهنم، به راه جهنم. این هدایتِ تشریع نیست، یعنی اینها را ببرید در دنیا به فرشته‌گانِ خدای سبحان دستور می‌دهد که این شخص را به راه خیر ببرید. توفیق، درک، بینش، گرایش، علاقه پیدا می‌شود امکانات را از بیرون گرایش را از درون فراهم می‌کند انسان به خوبی موفق می‌شود. گاهی که خدای سبحان بخواهد امتحان بکند اینچنین است، که همهٔ وسایل را فراهم می‌کند تا انسان را بیازماید. گاهی هم که بخواهد هدایت تکوینی بکند همهٔ وسایل را از درون و بیرون فراهم می‌کند تا انسان را بیازماید. آنگاه انسان در هنگام تهیهٔ وسایل به خوبی راه را می‌بیند و انجام می‌دهد. و همهٔ وسایل را هم خدای سبحان برایش فراهم می‌کند و آماده می‌کند. این می‌شود هدایت تکوینی. بنابراین هدایتی که در سورهٔ صافات آمده است که \* «فاهدوهم الی صراط الجحیم» ﴿۳۰﴾ این هدایت تکوینی است چون در قیامت سخن از تشریع نیست.

چه اینکه بهشتی‌ها هم می‌گویند \* «الحمد لله الذی هدانا لهذا» ﴿۳۱﴾ آنجا هم سخن از تکوین است نه تشریع. خدا را شکر که ما را به اینجا رساند. این تکوین است. تشریع آن است که برای انسان قانون معین کنند که انسان بعد از درک قانون بفهمد چی واجب است چی حرام یا اطاعت کند یا تمرد. اما تکوین آن است که گرایش و بینش و هوش و وسایل را فراهم بکند تا انسان راه را طی کند.

سؤال...

جواب: نه منظور این است که هدایت به آن معنا که شامل همه شده است خدای سبحان همه را هدایت کرده است. بهشتیان که در بهشت می‌گویند خدا را شکر می‌کنیم که ما را هدایت کرد، یعنی خدا را شکر می‌کنیم که برای ما احکام گفت؟ که این احکام را برای همه گفت. آنی که در بهشت از بهشتیان شنیده می‌شود، این است که خدا را شکر می‌کنیم که ما را به اینجا رساند. خدا را شکر

می‌کنیم که به وعده‌اش وفا کرد. خدا را شکر می‌کنیم که حزن و اندوه را از ما برداشت. خدا را شکر می‌کنیم که زمین بهشت را ارث ما قرار داد. اینها محامد اهل بهشت است. ﴿۳۲﴾ «الحمد لله الذي هدانا لهذا» ﴿۳۳﴾ «والحمد لله الذي صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوا من الجنة حيث نشاء» ﴿۳۴﴾. اینها محامد اهل بهشت است.

سؤال...

جواب: درست است ولی منظور این است که آن امری نیست مخصوص اهل بهشت، و این دارد محامد بهشتیان را ذکر می‌کند. آن حمد خدا را که برای ما احکام بیان کرد. صرف تبیین احکام انسان را به بهشت نمی‌رساند برای اینکه ﴿هدى للناس﴾ بود. جهنمی‌ها هم می‌گویند به اینکه برای ما گفتند احکام را برای ما گفتند خزنه جهنم از جهنمیان سؤال می‌کند ﴿ألم يأتكم نذير قالوا بلى قد جاءنا نذير فكذبنا و قلنا ما نزل الله من شيء ان انتم إلا في ضلال كبير﴾ ﴿۳۵﴾ بنابراین آنچه مهم است آن عنایتی الهی است که انسان را به مقصد و مقصود می‌رساند.

رسالت و هدایت، منت الهی

و این را درباره انبیاء چنین می‌فرماید: در سوره صافات راجع به موسی و هارون ﴿عليهما السلام﴾ لسان قرآن کریم این است. آیه ۱۱۴ به بعد سوره صافات ﴿ولقد مننا على موسى و هارون و نجيناهما و قومهما من الكرب العظيم و نصرناهم فكانوا هم الغالبين و آتيناهما الكتاب المستبين و هديناهما الصراط المستقيم﴾ ﴿۳۶﴾ ما بر موسی و هارون منت نهادیم. منت آن نعمت سنگین است. آن نعمتی که حملش مشکل است آن را می‌گویند منت. رسالت، منت است. هدایت، منت است و مانند آن. خدای سبحان با آفرینش این مجموعه نظام، آسمان و زمین، خلق آفتاب و آب و امثال ذلک منت یاد نکرد. نفرمود من بر شما منت نهادم که بر شما آفتاب خلق کردم یا آب خلق کردم.

منت هی النعمۃ الثقيله. آن نعمت وزین را می گویند منت. اما دربارهٔ رسالت سخن از منت است

\*«لقد من الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا»\* ﴿٣٧﴾ هدایت سخن از منت است \*«بل الله يمن عليكم أن هداكم للإيمان»\* ﴿٣٨﴾ و مانند آن. دربارهٔ موسی و هارون ﴿عليهما السلام﴾ سخن از منت است. فرمود ما بر اینها منت نهادیم. اینها را چکار کردیم؟ اینها را در جنگ پیروز کردیم. بعد به اینها چی دادیم؟ به اینها تورات دادیم. بعد چکارشان کردیم؟ اینها را به راه راست هدایت کردیم. خوب این هدایت راه راست به معنای تشریع که برای همهٔ بنی اسرائیل بود. برای همهٔ بنی اسرائیل مسئلهٔ تشریع احکام بود. اختصاصی به موسی و هارون ﴿عليهما السلام﴾ نداشت. این منتی بر موسی و هارون نبود. اینکه می فرماید: ما بر اینها منت نهادیم، به اینها کتاب مستبین دادیم، اینها را به صراط مستقیم هدایت کردیم، یعنی تکویناً. یعنی آن توفیق را دادیم. آن نورانیت را به ایشان دادیم.

سؤال...

جواب: اگر هدایت تشریعی شد، مکلف به حسن اختیار خود چند قدم عمل کرد، اطاعت کرد، آنگاه هدایت تکوینی نصیبش می شود. \*«ان تطيعوه تهتدوا»\* ﴿٣٩﴾ \*«و من يؤمن بالله يهد قلبه»\* ﴿٤٠﴾. اول سخت است برای انسان، بعد آسان می شود. اینکه بعد آسان می شود، همهٔ مشکلات را خدای سبحان حل می کند، این هدایت تکوینی است. این اول رایگان نصیب کسی نمی شود. اگر یک کسی چند قدمی این راه را طی کرد، آنگاه آن هدایت تکوینی نصیبش می شود. اگر موسی و هارون ﴿عليهما السلام﴾ آن مشکلات را تحمل نمی کردند، این هدایت تکوینی نصیبشان نمی شد.

سؤال...

جواب: این چون یقین را برای متقین بیان کرد خدای سبحان هم دربارهٔ متقین دارد: \*«ان تتقوا الله يجعل لكم فرقاناً»\* ﴿٤١﴾ اینها اهل تقوی شدند، خدای سبحان این نورانیت را به ایشان مرحمت



کرده است. نه اینکه متقی از پیش خود این نورانیت را دارد. تقوا هم همان عبادت خاصه است. والحمد

لله رب العالمین

سؤال...

جواب: مبتدی چون از هدایت تکوینی هنوز برخوردار نشده و مختار است. \* «انا هدیناه

السبیل» ﴿۴۲﴾ مبتدی بین دو راه ایستاده است \* «وهدیناه النجدین» ﴿۴۳﴾ نجد خیر و نجد

شر. اگر به حسن اختیار خود راه خیر را چند قدم طی کرده است، ایمان آورد و اطاعت کرد بقیه راه

را به آسانی طی می کند. آن بقیه می شود تکوینی.

سؤال...

رهزنی شیطان، در صراط مستقیم

جواب: بله مادامی که در غیر معصومین بله چون بالآخره شیطان در همه این راهها هست. شیطان

هم در همین راهها هست این راه مستقیم شیطان، آدرسش را قرآن کریم مشخص کرد. گفت من

راههای انحرافی من نیستم برای اینکه آنها را دیگر من دادم به مأمورین جزء و خودشان شیطان

شدند. آدرس من همین صراط مستقیم است، من جای دیگر کار ندارم. \* «لاقعدن لهم صراطک

المستقیم» ﴿۴۴﴾ من سر راه می نشینم. منتها این صراط مستقیم طولانیست. از مراحل بدوی شروع

می شود تا لقاء الله. این اوائل راه و تا حدودی اواسط راه شیطان هست. از آن به بعد دیگر جای نفوذ

شیطن نیست. انسان اگر این مقدار راه را طی کند از اوائل بگذرد از اواسط بگذرد به آن بخش سوم

برسد، یعنی جزء عباد مخلص بشود، شیطان دیگر آنجا راه ندارد اصلاً و گرنه گفت من سر راه

می نشینم. جای دیگر من نیستم جایی که پرتگاه است من نیستم. من سر راه می نشینم دست اینها

را می گیرم پرت می کنم. کارم این است. \* «لاقعدن لهم صراطک المستقیم» ﴿۴۵﴾ همین جا کمین

می‌زنم. خدای سبحان هم فرمود: پیامبر من هم در همین جاست خود من هم در اینجا حضور دارم و اینها را راهنمایی می‌کنیم. دربارهٔ پیامبر هم فرمود: \*«یس و القرآن الحکیم انک لمن المرسلین علی صراط مستقیم»\* ﴿۴۶﴾ تو بر صراط مستقیم هستی. تو جلو داری می‌روی این قافله هم بدنبال تو دارند می‌آیند. این هم کمین می‌زند. من هم که خدایم کارم روی این صراط مستقیم است شما اگر این مقدار را طی کنید دیگر از کمین شیطان بیرون می‌روید یعنی وقتی برسید به مرحلهٔ اخلاص شیطان بلد نیست چگونه مخلصین را فریب بدهد.

عدم دسترسی شیطان به مخلصین

آنچه را که مخلصین دنبال او هستند، شیطان نمی‌فهمد. آنچه که ابزار کار و بازی شیطان است، مخلصین روی او پا گذاشتند این است که اوایل راه جای شیطنت هست که کمین بزند اما اواخر راه جای شیطنت نیست. لذا اگر اخلاص را رها کنند از آن بخش سوم می‌افتند توی بخش دوم و اول، خطر دارد. این اخلاصی که حفظ بکنند در دسترس کسی نیستند لذا شیطان گفت \*«الا عبادک منهم المخلصین»\* ﴿۴۷﴾ خدای سبحان هم فرمود به اینکه تو بر بندگان مخلص من راه نداری.

سؤال...

جواب: بله؟ قبل از تشریع باید باشد برنامه باید باشد تا به یک کسی توفیق طی آن راه را بدهند. آن هم به نوبهٔ خود شرع است چون یکی از حجج الهیه شرع است دیگر. بعضی از چیزها را عقل می‌فهمد انسان اگر دسترسی پیدا نکرده است، به اینکه بفهمد \*«لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل»\* ﴿۴۸﴾ ولی عقل می‌گوید خوردن مال مردم حرام است. خب این حجت شرعی است دیگر. خود عقل حجة شرعیه «ان لله علی الناس حجتین، حجة ظاهرة و حجة باطنة» ﴿۴۹﴾ عقل حجت شرعیست. که بوسیلهٔ عقل هم عبد بر مولا احتجاج می‌کند هم مولا بر عبد. آنگاه خدای سبحان

می‌گوید من حجت را به شما دادم دیگر. اگر چیزی که عقل نفهمد، نظیر خصوصیت‌های عبادی و امثال ذلک البته شخص معذور است.

سؤال...

جواب: ممکن است غیر معصوم هم به مقام اخلاص برسد. از آن طرف هر معصومی مخلص هست اما از این طرف هر مخلصی معصوم باشد لازم نیست.

سؤال...

جواب: گمراه نمی‌شود دیگر، حفظ می‌شود.

سؤال...

جواب: امکان چرا امکان هست لذا باید اخلاصش را حفظ کند. اگر اخلاصش را حفظ نکرد این خطر هست.

سؤال...

جواب: بالاخره شیطان مواظب است ببیند که این سقوط می‌کند می‌آید تو بخش دوم و اول که بگیرد یا نه. مادامی که آنجا هست دسترسی به او ندارد.

سؤال...

جواب: چرا خود انسان از درون خود می‌تواند بالاخره فریب بخورد. دیگر

سؤال...

جواب: انحصارش از کجاست؟ مثلاً او عامل قریب است \* «و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به

نفسه» ﴿۵۰﴾ آن خناسی که \* «یوسوس فی صدور الناس» ﴿۵۱﴾ او کمین کرده در بخش اول و

دوم. اما آن نفسی که با انسان همواره هست، \*﴿و لقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب اليه من حبل الوريد﴾\* (۵۲) آن همواره با انسان است.

سؤال...

جواب: سرپیچی از تکوین؟ نه اگر محال باشد که می شود جبر. تکوین در حد یک توفیق است. راه را انسان به آسانی طی می کند. و الا می شود جبر.

سؤال...

جواب: نه ترک اولی یعنی مثلاً دو تا مستحب بود یکی افضل بود و یکی ادامه سؤال قبلی:

جواب: بله؟ نه حالا جریان حضرت آدم ﴿سلام الله علیه﴾ می رسیم به اینکه او اصلاً تشریع نبود. چون در آن عالم سخن از تشریع نیست بعداً که به زمین آمد شد اولین پیامبر و تشریع از این بعد هست. ولی ممکن است یک امری افضل باشد نسبت به یک امر دیگر اینها چون ابرار دارند و مقربین. «حسنات الابرار سیئات المقربین» ﴿۵۳﴾ باشد و گرنه متروک و امثال ذلک آنجا نبود.

هدایت نیکان، شرح صدر

بنابراین اگر خدای سبحان بخواهد کسی را به راه راست تکویناً هدایت کند خود این شخص باید مقداری از این راه را طی کند تا توفیق هدایت تکوینی نصیبش بشود. و همانطوری که در سورهٔ تغابن فرمود: \*﴿و من يؤمن بالله يهد قلبه﴾\* ﴿۵۴﴾ در سورهٔ انعام هم تشریح می کند که اگر ما خواستیم کسی را هدایت کنیم قلب او را روشن و منشرح می کنیم. شرح صدر به او می دهیم. آیه ۱۲۵ سورهٔ انعام فرمود: \*﴿فمن يرد الله ان يهديه يشرح صدره للإسلام و من يرد ان يضلّه يجعل صدره ضيقاً حرجاً كأنما يصعد في السماء﴾\* ﴿۵۵﴾ اگر کسی خواست، خدا خواست کسی را هدایت

کند قلبش را باز می‌کند. شرح صدر به او مرحمت می‌کند. قلب مشروح معارف بلندتر را درک می‌کند. همان بیانی که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در آن حدیث به کمیل فرمود: «یا کمیل ان هذه القلوب أوعية فخيرها أوعاها» ﴿٥٦﴾؛ این دلها ظروف اندیشه‌هاست، بهترین دل آن قلبی است که ظرفیتش بیشتر باشد. آن قلبی که ظرفیتش بیشتر است برای درک مطالب بلندتر، او از شرح صدر برخوردار است. در این کریمه فرمود: خدا هر که را بخواهد هدایت کند، شرح صدر به او مرحمت می‌کند. و هر که را بخواهد گمراه کند، دلش را می‌بندد. خب این تشریعی است یا تکوینی؟ تشریعی که برای همه یکسان است. فرمود: \*«هدى للناس»\* ﴿٥٧﴾، به همه مردم بدهید. نه اینکه اول شرح صدر به کسی مرحمت کند یا قلب کسی را ببندد. اول به عنوان هدایت عامه، همگان را هدایت می‌کند \*«نذيراً للبشر»\* ﴿٥٨﴾ \*«ذكرى للبشر»\* ﴿٥٩﴾ \*«نذيراً للعالمين»\* ﴿٦٠﴾ اگر کسی این راه را مقداری طی کرده است، خدا به او شرح صدر می‌دهد. \*«لكيلا تأسوا على ما فاتكم و لاتفرحوا بما آتاكم»\* ﴿٦١﴾؛ مثل یک دریای عظیم. اگر چیزی وارد دریا بشود، دریا را تکان نمی‌دهد. چیزی از دریا گرفته بشود، دریا را کم نمی‌کند. طوری که او نگران بشود. قلب مشروح این چنین است؛ اگر حادثه تلخی بیاید او غمگین نمی‌شود، نعمتی به او برسد او مسرور نخواهد شد. چون هر دو را به عنوان آزمون الهی می‌داند. این قلب مشروح جا برای حوادث نیست خلاصه. این شرح صدر است.

گمراهی منحرفان، تنگ جانی

آنگاه وقتی که فرمود: هر که را خدا بخواهد گمراه کند قلبش را می‌بندد، ذیلاً بیان کرد \*«كذلك يجعل الله الرجس على الذين لا يؤمنون»\* ﴿٦٢﴾ این رجس و پلیدی را که عبارت است از بستن دل و تنگی جان است، خدا بر افرادی که ایمان نیاوردند تحمیل می‌کند. معلوم می‌شود اگر شرح صدر اعطا می‌کند به مؤمنین مرحمت می‌کند. اگر بستن دل بر کسی تحمیل می‌شود، آن کسی است که

رجس و گرفتاری عدم ایمان دامنگیر او شد. \*«كذلك يجعل الله الرجس على الذين لا يؤمنون»\* ﴿٦٣﴾ آنگاه معلوم می‌شود شرح صدر طهارت است و ضیق صدر رجس، پلیدی. این پلیدی که انسان باید از آن مهاجرت کند. پس این طور نیست که بدو، رایگان خدای سبحان قلب کسی را مشروح کند یا دل کسی را ببندد. این چنین نیست. و در سورهٔ كهف جریان اصحاب كهف را که تشریح می‌کند، می‌فرماید اینها قیام کردند مبارزه کردند، دست از آسایش کشیدند، ما هم یک هدایت زائدی به اینها دادیم. این هدایت زائد همان هدایت تکوینی است نه تشریعی. چون تشریع که نسبت به همه شد. در سورهٔ كهف آیهٔ ۱۳ فرمود: \*«نحن نقص عليك نبأهم بالحق إنهم فتية آمنوا بربهم و زناهم هدى»\* ﴿٦٤﴾ اینها یک رادمردانی بودند که برای خدا قیام کردند. شاب نبودند، فتی بودند. سخن از فتوت است. و گر نه سنشان کم نبود. اینها جوانمرد بودند و نه جوان. سخن از فتوت است \*«انهم فتية آمنوا بربهم»\* ﴿٦٥﴾ یک جوانمردانی بودند که قیام کردند، ما هم هدایتشان را زیاد کردیم. نه هدایتشان را زیاد کردیم یعنی احکام را برایشان گفتیم که بشود تشریعی. این هدایت که تکوینی است، دربارهٔ اینها افزوده کردیم، راه را به خوبی دیدند. به آسانی راه را طی کردند. و از هیچ خطری نترسیدند. \*«انهم فتية آمنوا بربهم و زناهم هدى»\* ﴿٦٦﴾.

هدایت به سخن نیک و پاکیزه

در سورهٔ حج وقتی جریان اهل بهشت را تشریح می‌کند، آیهٔ ۲۴ سورهٔ حج این است که می‌فرماید: \*«و هدوا الى الطيب من القول و هدوا الى صراط الحميد»\* ﴿٦٧﴾ اینها به خوب حرف زدن هدایت شدند. به قول طیب هدایت شدند. قول طیب را که خدای سبحان به همه دستور داد شما خوب حرف بزنید. چطور اینها فقط هدایت شدند به خوب حرف زدن؟ حرفی که کسی را حیثیت کسی را نبرد، حرفی که خبیث نباشد، از دهن اینها خبیث باشد، از دهن اینها بیرون نمی‌آید و حرف گزنده از دهن

اینها بیرون نمی‌آید. این هدایت تکوینی است. چرا؟ چون راههای خیر را از قبل طی کرده‌اند. آنگاه خدای سبحان طرز حرف زدن را هم به اینها آموخت. اصلاً بد نمی‌گویند، لغو نمی‌گویند و چیزی که وقار و عظمت اینها را هم کم نکند، نمی‌گویند.

وصیت حضرت علی (علیه السلام) به پرهیز از سخن لغو

در همان نامه که در نهج البلاغه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) برای حسن بن علی (علیهما السلام) مرقوم فرمود، از آنجا تعبیر کرد از حضرت به عنوان بنی، یعنی پسرک من. با ترحم و امثال ذلک یاد می‌کند. می‌فرماید: این چنین نباش که در مجالس نشستهای حرفی بزنی که دیگران بخندند ولو از دیگری نقل کنی. ﴿۶۸﴾ در جلسه طوری باشی که تو بگویی و دیگران بخندند. دهانت وسیله خنده دیگران باشد. خود را سبک نکن با این سخن. در پایان آن نامه که در نهج البلاغه هست، فرمود: نقل نکن یک چیزی که دیگران بخندند. این شایسته یک انسانی که در راه است، نیست.

قول طیب آن است که انسان مواظب زبانش باشد. مواظب گفتارش باشد. لغو نگوید. لہو نگوید و مانند آن. این یک امر تکوینی است که خدای سبحان به اینها مرحمت کرده است.

سؤال...

جواب: بله؟ اشکال ندارد اما ببینید یک وقت انسان می‌خواهد بداند حرام است یا نه، یک وقت می‌خواهد بداند که بالاخره انسان خودش را به چه چیز سرگرم می‌کند. دهان عادت می‌کند دیگر.

هدایت تکوینی و تشریعی

مسئله هدایت تکوینی و هدایت تشریعی را در آیاتی که قرآن کریم هم به پیامبر نسبت می‌دهد، هم از پیامبر سلب می‌کند، به خوبی مشخص کرده که یکی تکوینی است یکی تشریعی. خدای سبحان هم به پیامبر می‌فرماید تو هدایت نمی‌کنی، هم می‌فرماید تو هدایت می‌کنی. هم می‌فرماید تو به

صراط مستقیم هدایت نمی‌کنی، هم می‌فرماید تو به صراط مستقیم هدایت می‌کنی. پیداست که یکی تکوینی است یکی تشریعی. در سوره قصص آیه ۵۶ به بعد این است: \*«انک لا تهدی من احببت»\* ﴿۶۹﴾؛ تو هر که را بخواهی هدایت نمی‌کنی که، \*«ولکن الله یهدی من یشاء»\* ﴿۷۰﴾؛ خداست که هدایت می‌کند. این معلوم می‌شود هدایت تکوینی است. چون خدا به رسولش فرمود تو مردم را به صراط مستقیم هدایت می‌کنی. یعنی تشریعاً احکام الهی را برای مردم بیان می‌کنی. آن را در پایان سوره شوری آیه ۵۲ و ۵۳ بیان می‌کند. می‌فرماید به اینکه: \*«و کذلک اوحینا الیک روحاً من امرنا»\* ﴿۷۱﴾ این امر تکوینی است. \*«ما کنت تدری ما الکتاب و لا الایمان و لکن جعلناه نوراً نهدی به من نشاء»\* ﴿۷۲﴾ ما این امر را که هدایت تکوینی است، یک نور خاصی قرار دادیم که این نور خاص را به همه نخواهیم داد. هر که را بخواهیم می‌دهیم. کی‌ها را می‌خواهد خدا؟ \*«من یؤمن بالله یهد قلبه»\* ﴿۷۳﴾ \*«ان تطیعوه تهتدوا»\* ﴿۷۴﴾ آنها را خدا می‌خواهد. \*«و یهدی الیه من اناب»\* ﴿۷۵﴾ \*«و یهدی الیه من ینیب»\* ﴿۷۶﴾ که بحثهایش در سوره رعد گذشت.

مصدق \*«اهدنا»\* در آیه مورد بحث

فرمود این یک نوری است ما به همه نمی‌دهیم. هر که را بخواهیم می‌دهیم. کی‌ها را می‌خواهد؟ \*«من یؤمن بالله یهد قلبه»\* ﴿۷۷﴾ کسی که چند قدم این راه را طی کند، به او این نور را مرحمت می‌کند. معلوم می‌شود این \*«اهدنا الصراط المستقیم»\* ﴿۷۸﴾ مسألت کردن نور است. خدایا یعنی نور به ما بده. نه اهدنا یعنی نورنا، هدایت مصداقش با مصداق نور یکی است. نه اینکه لفظ هدایت و لفظ نور مترادف باشند یا اهدنا در نورنا استعمال شده باشد و مانند آن. نه، اهدنا همان اهدنا است. رساندن است. راهنمایی کردن است. منتها راهنمایی تکوینی در لسان قرآن کریم، نور است. که انسان به خوبی راه را می‌بیند. فرمود این نور را به هر که بخواهیم می‌دهیم. تو کارت هدایت است. \*«جعلناه



نوراً نهدي به من نشاء من عبادنا» ﴿٧٩﴾ اما ﴿٧٩﴾ «و انك لتهدى الى صراط مستقيم» ﴿٨٠﴾ تو فقط مردم را به صراط مستقيم هدايت می کنی. همین صراط مستقیمی که در سوره قصص همین الان بحث شد که خدا فرمود: ﴿٨١﴾ «انك لا تهدي من احببت» ﴿٨١﴾ تو هدايت نمی کنی. در سوره قصص می فرماید تو هدايت می کنی. در سوره قصص که فرمود تو هدايت نمی کنی یعنی تو کسی نیستی که دست اینها را بگیری و تا بهشت برسانی، تو فقط می گویی. ﴿٨٢﴾ «و ما على الرسول الا البلاغ» ﴿٨٢﴾ تو می گویی ﴿٨٣﴾ «اقم الصلوة» ﴿٨٣﴾ اما من هستم که دل اینها را نور می دهم اینها راه را طی می کنند. پس در سوره قصص فرمود: ﴿٨٤﴾ «انك لا تهدي من احببت» ﴿٨٤﴾ تو هر که را بخواهی، دوست داشته باشی هدايت نمی کنی. تو فقط بیان می کنی احكام الهی را. ﴿٨٥﴾ «بلغ ما انزل اليك من ربك» ﴿٨٥﴾ یکی نمی پذیرد ولایت حضرت امیر (سلام الله علیه) را، یکی می پذیرد. یکی نور دارد، یکی ندارد. تو فقط تبلیغ می کنی. در سوره شوری فرمود که: ﴿٨٦﴾ «جعلناه نوراً نهدي به من نشاء من عبادنا و انك لتهدى الى صراط مستقيم» ﴿٨٦﴾ تو کارت تبلیغ کردن است، گفتن است. تو فقط مردم را آگاه می کنی. چی بر مردم واجب است، چی حرام. اما آن نوری که در دل می تابد، به وسیله آن نور راهیان حرکت می کنند، آن دست من است. ﴿٨٧﴾ «انك لتهدى الى صراط مستقيم» ﴿٨٧﴾ صراط مستقيم، صراط کیست؟ ﴿٨٨﴾ «صراط الله الذي له ما في السموات و ما في الارض الا الى الله تصير الامور» ﴿٨٨﴾

(و الحمد لله رب العالمين)

پاورقی ها:

(١) سوره فاتحه الكتاب، آیه ٦.

(٢) سوره تغابن، آیه ١١.

(٣) سوره نور، آیه ٥٤.

(۴) سورة فاتحة الكتاب، آیه ۵.

(۵) سورة نور، آیه ۵۴.

(۶) سورة نور، آیه ۵۴.

(۷) سورة لیل، آیات ۵ - ۷.

(۸) سورة لیل، آیات ۵ - ۷.

(۹) سورة فاتحة الكتاب، آیه ۵.

(۱۰) سورة نور، آیه ۵۴.

(۱۱) سورة تغابن، آیه ۱۱.

(۱۲) سورة مائدة، آیه ۱۶.

(۱۳) سورة اسراء، آیه ۹.

(۱۴) سورة مائدة، آیه ۱۶.

(۱۵) سورة فرقان، آیه ۱.

(۱۶) سورة مدثر، آیه ۳۱.

(۱۷) سورة فرقان، آیه ۱.

(۱۸) سورة مدثر، آیه ۳۱.

(۱۹) سورة مائدة، آیه ۱۶.

(۲۰) سورة مریم، آیه ۳۳.

(۲۱) سورة مریم، آیه ۱۵.

(۲۲) سورة مائدة، آیه ۱۶.

(۲۳) بحار، ج ۸۳، ص ۱۱۹.

(۲۴) مفاتیح الجنان، دعای تعقیب نماز صبح.

(۲۵) مفاتیح الجنان، دعای تعقیب نماز صبح.

(۲۶) سوره صافات، آیه ۲۳.

(۲۷) سوره صافات، آیه ۲۳.

(۲۸) سوره صافات، آیه ۲۳.

(۲۹) سوره صافات، آیات ۲۳ - ۲۵.

(۳۰) سوره صافات، آیه ۲۳.

(۳۱) سوره اعراف، آیه ۴۳.

(۳۲) سوره فاطر، آیه ۳۴.

(۳۳) سوره اعراف، آیه ۴۳.

(۳۴) سوره زمر، آیه ۷۴.

(۳۵) سوره ملک، آیه ۸ - ۹.

(۳۶) سوره صافات، آیات ۱۱۴ - ۱۱۸.

(۳۷) سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

(۳۸) سوره حجرات، آیه ۱۷.

(۳۹) سوره نور، آیه ۵۴.

(۴۰) سوره تغابن، آیه ۱۱.

(۴۱) سوره انفال، آیه ۲۹.

- (٤٢) سورة ٠ انسان، آيه ٣.
- (٤٣) سورة ٠ بلد، آيه ١٠.
- (٤٤) سورة ٠ اعراف، آيه ١٦.
- (٤٥) سورة ٠ اعراف، آيه ١٦.
- (٤٦) سورة ٠ يس، آيه ١ - ٤.
- (٤٧) سورة ٠ ص، آيه ٨٣.
- (٤٨) سورة ٠ بقره، آيه ١٨٨.
- (٤٩) الكافى، ج ١، ص ١٥.
- (٥٠) سورة ٠ ق، آيه ١٦.
- (٥١) سورة ٠ ناس، آيه ٥.
- (٥٢) سورة ٠ ق، آيه ١٦.
- (٥٣) بحار، ج ٢٥، ص ٢٠٥.
- (٥٤) سورة ٠ تغابن، آيه ١١.
- (٥٥) سورة ٠ انعام، آيه ١٢٥.
- (٥٦) نهج البلاغه، حكمت ١٤٧.
- (٥٧) سورة ٠ بقره، آيه ١٨٥.
- (٥٨) سورة ٠ مدثر، آيه ٣٦.
- (٥٩) سورة ٠ مدثر، آيه ٣١.
- (٦٠) سورة ٠ فرقان، آيه ١.

(٦١) سورة ٔ حديد، آيه ٢٣.

(٦٢) سورة ٔ انعام، آيه ١٢٥.

(٦٣) سورة ٔ انعام، آيه ١٢٥.

(٦٤) سورة ٔ كهف، آيه ١٣.

(٦٥) سورة ٔ كهف، آيه ١٣.

(٦٦) سورة ٔ كهف، آيه ١٣.

(٦٧) سورة ٔ حج، آيه ٢٤.

﴿٦٨﴾ نهج البلاغه، نامه ٣١، ص ٤٠٥؛ إياك أن تذكر من الكلام ما يكون مضحكاً وإن حكيت ذلك

عن غيرك.

(٦٩) سورة ٔ قصص، آيه ٥٦.

(٧٠) سورة ٔ تغابن، آيه ١١.

(٧١) سورة ٔ شوری، آيه ٥٢.

(٧٢) سورة ٔ شوری، آيه ٥٢.

(٧٣) سورة ٔ تغابن، آيه ١١.

(٧٤) سورة ٔ نور، آيه ٥٤.

(٧٥) سورة ٔ رعد، آيه ٢٧.

(٧٦) سورة ٔ شوری، آيه ١٣.

(٧٧) سورة ٔ تغابن، آيه ١١.

(٧٨) سورة ٔ فاتحة الكتاب، آيه ٦.

(۷۹) سورہٴ شوری، آیہ ۵۲.

(۸۰) سورہٴ شوری، آیہ ۵۲.

(۸۱) سورہٴ قصص، آیہ ۵۶.

(۸۲) سورہٴ نور، آیہ ۵۴.

(۸۳) سورہٴ ہود، آیہ ۱۱۴.

(۸۴) سورہٴ قصص، آیہ ۵۶.

(۸۵) سورہ مائدہ، آیہ ۶۷.

(۸۶) سورہٴ شوری، آیہ ۵۲.

(۸۷) سورہٴ شوری، آیہ ۵۲.

(۸۸) سورہٴ شوری، آیہ ۵۳.

عکس

